

درسی که حضرت زینب(س) به ما داد

آیت الله قرهی رئیس حوزه علمیه امام مهدی(عج) در شب میلاد حضرت زینب(س) گفت: وجود مقدس عقیله بنی هاشم برای طاعت امام و معرفت امام بود که به این مقامات رسیدند. پس ما هم باید مطیع باشیم، حیا داشته باشیم و زینب‌گونه برخورد کنیم.



آیت الله قرهی رئیس حوزه علمیه امام مهدی(عج) در شب میلاد حضرت زینب(س) گفت: وجود مقدس عقیله بنی هاشم برای طاعت امام و معرفت امام بود که به این مقامات رسیدند. پس ما هم باید مطیع باشیم، حیا داشته باشیم و زینب‌گونه برخورد کنیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، گزیده سخنرانی آیت الله قرهی، رئیس حوزه علمیه امام مهدی(عج) در شب میلاد حضرت زینب(س) اکنون از نظر شما می‌گذرد.

در ابتدا میلاد عقیله بنی هاشم، آن عالمه بلا معلمه، تقیّه، زکیّه، نقیّه، حضرت زینب کبری را تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و سخنان خود را با یک سؤال آغاز می‌نمایم و آن این که شاخصه زینب کبری چیست؟

نامی از طرف خدا

اولین نکته در مورد ایشان، این است که نام ایشان من ناحیه الله آمده است. وقتی حضرت به دنیا آمدند، نبی مکرم در سفر بودند. حضرت زهرا به امیرالمؤمنین فرمودند: پدرم در سفر هستند، شما نامی بر این فرزند بگذارید؛ آن باب علم خدا فرمودند: من از پیامبر سبقه نمی‌گیرم. سه روز این فرزند بی نام بود، تا نبی مکرم آمدند، وقتی قنداقه را به دست ایشان دادند و گفتند: منتظر بودیم، تا شما نامی برای او انتخاب کنید؛ حضرت فرمودند: من از خدا سبقه نمی‌گیرم. لذا جبرئیل آمد و فرمود: نام او را زینب بگذارید. حال، سؤال این است که زینب کبری، نبی نیست، معصوم نیست؛ پس چیست که باید نامش را خدا بگذارد؟!

عالمه بلا معلمه

می‌گویند: این فرزند وقتی هم به دنیا آمد، شبیه به خدیجه کبری بود. زینب کبری، تالی‌تلو معصوم بودند که امامشان به ایشان فرمود: «أنت عالمه بلا معلمه»، لذا علم در سینه ایشان می‌جوشید، بدون این که معلمی داشته باشد.

باب نجات اولیاء خدا

آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری فرمودند: این بانوی مکرمه، باب نجات اولیاء خدا هستند.

به دنیا آمدن در مقام طهارت

اولاً مادر ایشان، کسی است که صلب ندیده است. چون خود پیامبر فرمودند: من و امیرالمؤمنین، از یک اسپرم بودیم، همین‌طور با هم از صلیبی به صلب دیگر در اجدادمان منتقل شدیم، تا این که به صلب عبدالمطلب رسیدیم، در آن‌جا دو نیم شدیم، من در عبدالله و امیرالمؤمنین در ابی‌طالب قرار گرفت، «الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره».

اما پیغمبر خدا خودشان می‌فرمایند که به من وحی نازل شد که چهل شب از خدیجه کبری دور باشم و به عبادت بپردازم. اما دقت کنید که این وحی بر پیامبری نازل شده که در شب معراج، آن‌قدر بالا رفت که دیگر هیچ ملکی توان همراهی او را نداشت و به آن‌جا رسید که بیان شد: «قاب قوسین او ادنی». می‌گویند: تفسیر این آیه را هیچ‌کس جز حضرت حجت(روحه له الفداء) نمی‌داند و فقط در زمان ظهور ایشان است که به واسطه طهارت روحی که مردم کسب می‌کنند، مقداری از تفسیر این آیه را متوجه می‌شوند. لذا پیامبر می‌فرمایند: بعد از آن چهل شب، با میوه و ربی که از بهشت آمده بود، بحثش به وجود آمد. لذا مادر حضرت زینب کبری، عنصر شجره طیّه خلقت، اصلاً هیچ صلیبی ندیده است.

پدر حضرت هم که امیرالمؤمنین، اسدالله الغالب، علی بن ابیطالب است، ها علی بشرٌ کیف بشر!!! در آن معراجی که پیامبر بودند، فرمودند که دست امیرالمؤمنین را در آن‌جا دیدم! لذا زینب کبری در آن مقام طهارت به دنیا آمد.

خیر کثیر چیست؟

حال، مهمترین خصوصیت کسی که در مقام طهارت است، این است که خدا به او حکمت می‌دهد. حالا باید دید که این حکمت چه چیزی را به انسان مرحمت می‌کند. در روایتی آمده که ابوبصیر از حضرت امام محمد باقر در مورد آیه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» [1] - به هر کس حکمت عطا شد، خوبی فراوان به او داده شده - سؤال می‌کند و می‌گویند: منظور از این خیر کثیر که به او داده می‌شود، چیست؟ حضرت می‌فرمایند: «طاعة الله و معرفة الإمام» [2] یکی طاعت خدا و دیگری معرفت امام است.

هدف از بعثت انبیاء هم همین حکمت است، آن‌جا که می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» [3]. اما باید توجه داشت که آن کسی حکمت را به دست می‌آورد که تزکیه شده و طاهر باشد. لذا اولیاء الهی و بزرگان می‌فرمایند: اگر من و شما هم نفس دونمان را کنترل کردیم، خدا شاهد است به ما هم حکمت و خیر کثیر می‌دهند. در روایت هم آمده که هر کس چهل شبانه‌روز خالصاً لوجه الله عبادت کند، چشمش را کنترل کند و ...، منابع حکمت از قلبش بر لسانش جاری می‌شود.

معرفت امام؛ شاخصه بزرگ زینب کبری

لذا شاخصه بزرگ زینب کبری این است که معرفت امام را دارد. ایشان با آن حادثه‌ای که در ابتدای تولدشان به وجود آمد و نامشان از طرف باری تعالی انتخاب شد؛ به تعبیر عامیانه می‌توانستند برای خودشان مدعی شوند و بگویند: من کسی هستم که نامم را خداوند قرار داده و ...، اما ایشان معرفت داشتند. در روز عاشورا، وقتی خیام را آتش زدند، به محضر فرزند برادرش که سنش از او خیلی پایین‌تر بود، می‌رود و از ایشان کسب تکلیف کرده و می‌فرماید: امام من! باید چه کنیم؟ که حضرت نیز می‌فرمایند: علیکن بالفرا!

وقتی عبدالله بن جعفر به خواستگاری ایشان می‌آید، ادب به خرج داده و به پدر بزرگوارشان می‌فرماید: هر چه شما بگویید، فقط من یک شرط دارم

و آن این که همه جا با حسین باشم. این شرط فقط برای این نیست که برادرشان است، بلکه ایشان عقیده هستند و می‌دانند قرار است چه اتفاقی بیافتد و به همین خاطر نمی‌خواهند هیچگاه از امام خود دور باشند.

در روز عاشورا، برای هر شهیدی، زینب کبری بیرون می‌آمد تا ابی‌عبدالله را آرام کند. حتی وقتی حضرت علی اکبر به شهادت رسیدند، ایشان تا وسط میدان رفتند و به ابی‌عبدالله گفتند: اگر بلند نشوی، موهایم را پریشان می‌کنم که تازه ابی‌عبدالله متوجه حضور ایشان در میدان شدند و برخاستند. اما این بانوی مکرّمه فقط برای فرزندان خودش بود که از خیمه بیرون نیامد تا نکند برادرش شرمند شود. لذا باب معرفتی ایشان بالا بود. وقتی آن ملعون به ایشان می‌گوید: چه دیدی؟ حضرت می‌فرماید: «ما رأيتُ إلا جمیلاً» جز زیبایی ندیدم. اما یک سؤال: آیا خون زیبایی است؟! آیا دیدن اجساد مطهر امام و نزدیکانش زیبایی است؟! اما حضرت می‌داند در آینده چه پیش می‌آید که آن‌ها نمی‌دانند. الآن نام مبارک زینب کبری این چنین جاودان و مبارک است. اما اسم یزید کجاست؟! مرقد مطهر زینب کبری دارای صحن و سرا است، اما یزد ملعون چه؟! تا سالیان پیش خرابه‌ی دمشق بود که می‌گفتند: قبر یزید در آن‌جا بوده است. در این جنگ سوریه، در ابتدا تکفیری‌ها همه سوریه به جز دمشق و زینبیه را گرفته بودند. خود اهل جماعت در سوریه می‌گفتند: این مطلب به خاطر وجود این سیّد مکرّمه است.

طاعت خدا؛ شاخصه دیگر زینب کبری

شاخصه دیگر زینب کبری این بود که ایشان، مطیع خدا بودند که این چنین بالا رفتند و اوج گرفتند. در شب شام غریبان، بعد از آن وقایع وحشتناک عاشورا، بعد از دیدن آن همه مصائب، سوزاندن خیمه‌ها و جمع کردن عیال در به در، امام سجاد فرمودند: دیدم که عمه جانم نماز شب خود را ترک نکرده، اما دارد نشسته می‌خواند. گفتم: نشسته می‌خوانید؟ گفتند: دیگر توانی برایم نمانده است! لذا ایشان، طاعت الله هستند. آیت‌الله مرعشی نجفی علم لغت، علم انساب و ... می‌دانستند که شاید خیلی‌ها ندانند. دلیلش هم این بود که ایشان در اواخر عمر خود فرمودند: من از قبل از تکلیفم تا به حال، نماز شبم قضا نشده است! یعنی گناه نمی‌کردند و طاعت خدا را انجام می‌دانند که این‌طور به مقامات رسیدند.

حیا از خدا

روایتی را از وجود مقدّس این بانوی مکرّمه بیان کنم. حضرت می‌فرمایند: پدرم از رسول اکرم نقل می‌کردند: «اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَنْ يَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؟! فَقَالَ: مَنْ اسْتَحْيَى مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ فَلْيَكُنْ أَجَلُهُ بَيْنَ عَيْتِهِ، وَ لِيُزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا، وَ يَحْفَظَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوْيَ، وَ لَا يَتَّسَى الْمَقَابِرَ وَ الْبُلَى» [4]، از خدا حقیقتاً حیا کنید. عرض شد: ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا حقیقتاً حیا می‌کند؟ فرمودند: کسی که از خدا حقیقتاً حیا داشته باشد، با دو چشم خود می‌بیند که مرگ نزدیک است، لذا مواظب است و زهد می‌ورزد. دنیا و زینت‌های آن او را فریب نمی‌دهد و مواظب سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خود است و قبرستان و پوسیده شدن بدن‌ها را از یاد نمی‌برد. لذا عزیزان! وجود مقدّس عقیده بنی‌هاشم برای طاعت امام و معرفت امام بود که به این مقامات رسیدند. پس ما هم باید مطیع باشیم، حیا داشته باشیم و زینب‌گونه برخورد کنیم.

زنان در جامعه هم اثرات بسیار عالی می‌توانند داشته باشند و هم خدای ناکرده اثرات بسیار بد. بی‌بی‌دو عالم، آن نیره الهی، آن عنصر شجره طیّبه خلقت، به جنس زن‌هاست، لذا زنان باید به خود افتخار کنند. اما از طرفی هم باید بدانند که بدی‌ها هم در آن‌ها بیاید، خیلی بیشتر است. پیامبر اکرم می‌فرمایند: حیا ده جزء دارد که نه جزء آن در زن و یکی در مرد است. لذا اگر زنان حیا داشته باشند، خود به خود جامعه با حیا می‌شود.

اثرات رخت بر بستن حیا در جامعه

اما در روایتی آمده که اگر خدای ناکرده در جامعه‌ای بی‌حیایی زیاد شود، سه اثر دارد: یکی این که فقر زیاد می‌شود. دوم این که مریضی‌های لاعلاج زیاد می‌شود و سوم این که خیانت زیاد خواهد شد. لذا باید با حیا باشیم. این بانوی مکرّمه کسی بود که وقتی بر سر مزار مادرش می‌خواست برود، برادرانش دور ایشان را می‌گرفتند و در نیمه شب ایشان را می‌بردند که کسی ایشان را نبیند. اما دیدیم که وقتی هم تکلیفشان ایجاب کند، به وسط میدان هم می‌روند.

مطیع امام زمان بودن، درس زینب کبری به ما

پس ما نیز باید از ایشان درس بگیریم و بدانیم هر کس که هستیم باید مطیع باشیم و معرفت به امام زمانمان داشته باشیم. حال که در زمان غیبت امام زمان هستیم، باید مطیع نائیش باشیم. هر کس مطیع نائب امام زمان نباشد و اللهم عجل لولیک الفرج بگوید، دروغ می‌گوید. آن ولیّ خدا و مرد الهی، آیت‌الله مولوی قندهاری، شاگرد آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی، آن مرجع یکه‌تاز که از امام زمان توقیع دارند، بودند. آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی در جوانی به ایشان فرمودند: هنیئاً لک زیارة الحجّة! یعنی ایشان در جوانی معروف بودند که حضرت حجّت را زیارت کردند. ایشان چهل سال از امام المسلمین، رهبر عظیم‌الشأنمان بزرگ‌تر بودند، اما خم می‌شدند که دست ایشان را ببوسند که امام‌المسلمین نمی‌گذاشتند. ایشان می‌فرمودند: این سیّد عظیم‌الشأن، سپه‌سالار امام زمان هستند. لذا باید مطیع ایشان بود.

[1]. بقره/ 269

[2]. الکافی: ۱ / ۱۸۵

[3]. آل‌عمران/ 164

[4]. الکافی: ۱ / ۱۸۵